

سبک های تربیتی والدین و احساس نیاز به موفقیت

حسین میرزایی (استادیار جامعه شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

hmirzaei@um.ac.ir

مجتبی میرزایی (دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

m_mirzaie1990@yahoo.com

الهام مظلومی (کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

elimazlumi@yahoo.com

چکیده

مفهوم توسعه دربردارنده پیشرفت و ترقی جامعه در تمامی ابعاد زندگی است. توسعه زمانی محقق می شود که کلیه تلاش ها برای انسان و تعالی او صورت پذیرد. در روند توسعه بر عوامل گوناگونی تأکید می شود؛ از جمله «انگیزه موفقیت» افراد است که این متغیر نیز تحت تأثیر عوامل دیگری شکل می گیرد. این مقاله بر اساس نظریه مک کله لند به تعیین میزان انگیزه موفقیت در بین دانشجویان دختر و بررسی برخی عوامل مرتبط و مؤثر بر این انگیزه می پردازد. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان دختر دانشگاه تبریز است که ۱۶۶ نفر به صورت طبقه ای، تصادفی انتخاب شدند و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار تحقیق پرسش نامه استاندارد و همچنین محقق ساخته است. نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معنی داری (۰/۲۳) بین شیوه تربیتی دموکراتیک والدین و انگیزه پیشرفت دانشجویان وجود دارد. همچنین رابطه بین متغیر علاقه به رشته تحصیلی و میزان انگیزه پیشرفت مثبت و معنی دار (۰/۳۴) بوده است. از طرفی رابطه بین سطح تحصیلات دانشجو با انگیزه پیشرفت رابطه معکوس و معنی دار (۰/۴۲) بوده است. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون نیز بیانگر آن بوده که انگیزه پیشرفت بیشتر از همه از بُعد شیوه تربیتی دموکراتیک متأثر است. نقش تربیتی والدین یکی از عوامل مهم تاثیرگذار در افزایش خلاقیت و انگیزه موفقیت فرزندان می باشد. لذا باید سعی شود تا به نحوه تربیت آنان بویژه در محیط خانواده توجه

شود و والدین را از این امر آگاه ساخت که آینده فرزندان آنها و آینده توسعه کشور بی تاثیر از شیوه تربیتی آنها نیست.

کلیدواژه‌ها: توسعه، مک‌کله‌لند، انگیزه موفقیت، شیوه تربیتی والدین، دانشجویان

۱. مقدمه

امروزه هدف تمامی جوامع بشری، توسعه مادی و معنوی است که انسان هسته اصلی این فرآیند و نیروی محرکه آن محسوب می‌شود. عامل نیروی انسانی به مثابه مهم‌ترین عامل این فرآیند، چنانچه نتواند به حد کافی بهره‌ور باشد، کل فرآیند توسعه تحت تاثیر قرار می‌گیرد و حرکت آن کند و متوقف می‌شود؛ لذا از این نظر که کلیه عواملی که ضمن توسعه انگیزش و تعهد به کار، التزام به هنجارهای نقش، میل به پیشرفت و نیاز به موفقیت، سخت‌کوشی و اهتمام و رقابت سرسختانه را در افراد ایجاد و تقویت می‌کند حائز اهمیت است (نوری و عباس پور، ۱۳۸۸: ۵۶). از مهم‌ترین این عوامل، خانواده است. خانواده به مثابه پایه‌گذار شخصیت افراد نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک و خط مشی زندگی آینده آنها دارد و اخلاق و صحت سلامت روانی فرد تا حدود زیادی در گرو آن است. واکنش افراد در دوران نوجوانی نسبت به محیط خود تحت تاثیر موازین اجتماعی و فرهنگی گروهی است که در آن بزرگ شده‌اند؛ بنابراین حفظ ارتباط مثبت بین والدین و فرزندان می‌تواند انگیزه وی را در مورد آنچه به موفقیت فرد مربوط می‌شود، افزایش دهد (بیرامی و خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۸). نقش والدین و مسئولیت آنها در پرورش فرزندان و انتخاب شیوه تربیتی مطلوب، آنچنان مهم است که امام سجاد (ع) برای تأکید بر گزینش بهترین شیوه تربیتی و تربیت شایسته فرزند، خطاب به والدین می‌فرماید: «حق فرزندان بر تو آن است که بدانی او از توست و رفتار نیک و بدش در این دنیا با شیوه تربیت تو پیوند دارد و به دلیل مسئولیتی که برای تربیت فرزندان داری، موظف هستی که او را خوب و شایسته تربیت نمایی» (پورپاریزی و صفورایی، ۱۳۸۶: ۱۶).

از سوی دیگر وجود روحیه و انگیزه پیشرفت در اغلب افراد جامعه به ویژه دانشجویان باعث تلاش بیشتر برای کسب ترفیعات و پیشرفت تحصیلی آنان می شود و این امر رونق کارهای علمی و پژوهشی در سطح دانشگاه ها و نهایتاً رشد و توسعه کشور را به دنبال دارد. ما معتقدیم که در جامعه کنونی ایران بررسی، شناخت و تقویت روحیه پیشرفت در دانشجویان دختر بسیار حیاتی و ضروری است. به خاطر این که امروزه از یک طرف سهم دختران در دانشگاه ها بسیار گسترش یافته و به طور حتم مطالبه و سهم آنان از بازار کار نیز افزایش چشمگیر خواهد یافت و از دیگر سو این افراد مادران آتی جامعه اند. مادران علاقه مند به پیشرفت و نوآوری می توانند فرزندان پیشرو و خلاق پرورش دهند. ناکافی بودن تحقیقات مربوط به این حوزه به ویژه با تأکید بر دختران دانشجو از دلایل دیگر اهمیت پرداختن به این موضوع اساسی است.

با توجه به مطالب ذکر شده مسأله اساسی این پژوهش بررسی میزان انگیزه پیشرفت در دختران دانشجو و مطالعه برخی از عوامل مرتبط با این انگیزه به ویژه شیوه تربیتی والدین است.

۲. مبانی نظری

نظریه های توسعه در ابعاد مختلفی قابل دسته بندی است. در این مقاله این نظریات به دو دسته نظریات بدبینانه و نظریات خوش بینانه تقسیم شده است. دسته ای از نظریات بدبینانه بیشتر متمایل به این نظر هستند که راه توسعه به روی همه جوامع باز نیست. راه توسعه زمانی به علت یک سلسله عوامل فرهنگی یا اقتصادی - اجتماعی بر روی جوامع خاصی از اروپا گشوده شده است و این جوامع مراحل صعود به وضع توسعه یافتگی را طی کرده اند. نظریات معروف به وابستگی در گرایش های اخیر خود چنین دیدگاهی دارند. از جمله معروف ترین نظریه پردازان آن آندره گوندر فرانک^۱ در آخرین نوشته های خود به بدبینی مطلق

1. Andre Gunder Frank

رسید. آنها راه توسعه را برای کشورهای توسعه نیافته به طول کامل بسته دیده‌اند (ساعی، ۱۳۸۴: ۴). اما مطابق نظریات خوش‌بینانه مانع ذاتی برای توسعه کشورها وجود ندارد و امکان توسعه برای همه فراهم است. دیدگاه نوسازی جزو این نظریات خوش‌بینانه محسوب می‌شود که در قالب سه حوزه، نظریه‌های اجتماعی، اقتصادی و روانی مطرح شده است (ازکیا، ۱۳۸۸: ۱۹۳-۱۹۱).

در حوزه نظریه‌های اجتماعی نظریه پردازانی چون اسملسر، هوزلیتز و آیزنشتاد قرار دارند. در حوزه نظریات نوسازی اقتصادی می‌توان به دیدگاه‌های هیرشمن، شومپتر و روستو اشاره داشت. در حوزه نظریه‌های نوسازی روانی که نقطه شروع توسعه را نوسازی انسان و نظام شخصیتی او می‌بینند، می‌توان به نظریه‌های کانکل، هیگن و مک‌کله‌لند^۱ اشاره کرد (ازکیا، ۱۳۸۸: ۲۰۶-۱۹۳)؛ در این مقاله تأکید بر حوزه نوسازی روانی و دیدگاه مک‌کله‌لند می‌باشد.

نظریات کانکل با این فرض شروع می‌شوند که اگر ما بتوانیم رفتار افراد را از طریق اعمال یک روش مناسب پاداش و تنبیه تغییر دهیم، دیگر ضرورتی به نظریه‌پردازی‌های روان‌شناختی در ارتباط با ایجاد شرایط مساعد برای تسریع فرآیند توسعه نخواهیم داشت؛ به عبارت دیگر با برقراری یک سامانه پاداش و تنبیه درست در روابط اجتماعی، می‌توان رفتار افراد را به جهات مورد نظر سوق داد. او معتقد است برای تسریع آهنگ رشد و توسعه باید ساختار اجتماعی و حقوقی جوامع توسعه نیافته را تغییر داد تا نمونه‌های رفتاری مطلوب در افراد به وجود آیند. کانکل تأکید می‌کند از آنجایی که در جوامع و فرهنگ‌های مختلف پاداش و تنبیه بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای موجود تعیین می‌شوند، ضروری است که سامانه پاداش دهی هر جامعه متناسب و هماهنگ با خصوصیات فرهنگی آن تنظیم شود (حریری اکبری، ۱۳۸۷: ۵۰). از نظر هیگن نیز نقطه‌های آغازین و شروع تربیت و اجتماعی

1. McClelland

شدن طفل تأثیر قطعی در آینده او دارد به گونه‌ای که ممکن است مانع نوآوری یا پذیرش نوآوری شود (ازکیا، ۱۳۸۸: ۲۱۹).

مک‌کله‌لند نظریه‌ای را مطرح می‌کند که محور آن را روحیه موفقیت‌جویی و نیاز به پیشرفت تشکیل می‌دهد. این روحیه به عنوان عامل تجدد و توسعه به حساب می‌آید. به عقیده مک‌کله‌لند در بعضی از فرهنگ‌ها برای پرورش روحیه موفقیت‌جویی مساعدت بیشتری وجود دارد (ساعی، ۱۳۸۴: ۱۱). او بر این باور است که نیاز به موفقیت بر مبنای انتظار انجام کارهای بهتر و سریعتر از دیگران یا انجام بهتر این کارها نسبت به گذشته است. او این ویروس ذهنی (نیاز به موفقیت) را روش ویژه‌ای از فکر کردن می‌داند که نسبتاً کمیاب است؛ ولی هنگامی که در شخص ایجاد شود وی را وادار می‌کند که به شکل ویژه‌ای پشتکار داشته باشد. در ذهن این شخص این ویروس ذهنی نمودار اندیشه‌هایی است که با خوب انجام دادن کار یا انجام دادن کاری بهتر از گذشته در ارتباط است. از نظر او نیاز به موفقیت را نباید تنها عامل نوسازی تلقی کرد بلکه باید آن را به عنوان عامل کلیدی در نظر گرفت (شفیع زاده و شجاعی، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۴). وی سابقه توسعه اقتصادی را در چندین کشور بین سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۵۰ م مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که در کشورهای گرفته است و بر عکس کشورهای که فاقد چنین انگیزه‌ای بوده‌اند، در توسعه اقتصادی خود موفقیتی نداشته‌اند (ایمانی راد، ۱۳۶۹: ۱۱۲).

مک‌کله‌لند به این نتیجه رسید که نیاز به موفقیت به عنوان جنبه‌ای از شخصیت انسان برای دستیابی به موفقیت بیشتر موجب توسعه اقتصادی می‌گردد (ایمانی راد، ۱۳۶۹: ۱۱۲). وی اشاره می‌کند با وجود این که انگیزه موفقیت پدیده‌ای است که با شخصیت افراد سرو کار دارد ولی در حقیقت پدیده‌ای کاملاً روانی نیست؛ بلکه این پدیده را برخی از شرایط اجتماعی تشکیل می‌دهند که سبب ایجاد درجه‌های متفاوتی از این انگیزه در افراد می‌شوند (شفیع زاده و شجاعی، ۱۳۸۷: ۳۶).

در همین زمینه وی به شیوه تربیتی والدین و تأثیر آن بر نیاز به پیشرفت و چگونگی تکوین و پیدایش این انگیزه در افراد توجه می‌کند. به اعتقاد وی افراد دارای انگیزه پیشرفت در محیط‌هایی پرورش می‌یابند که از آنها انتظار کفایت و لیاقت می‌رود، در سنین پایین به آنها استقلال داده می‌شود، اقتدارگرایی پدری اندکی وجود دارد و از سلطه‌گری مادری عاری هستند (شکرکن و محب، ۱۳۸۸: ۶۳)؛ به عبارت دیگر مک‌کله‌لند چگونگی تربیت و رشد فرزندان را در ایجاد ویژگی‌هایی همچون انگیزه پیشرفت بالا، موثر دانسته و در جهت بررسی آنها برآمده است.

دیانا بامریند^۱ (۱۹۶۷ م.) از دانشگاه کالیفرنیا مجموعه‌ای از بررسی‌ها را انجام داده است که در آنها مجموعه یا الگوهایی از شیوه رفتاری والدین مشخص شد. از نظر او کودکانی توانا بودند که از لحاظ استقلال یا رشدیافتگی، اتکا به خود، فعال بودن، تسلط بر خود، میل به کاوش، دوستی و جهت‌گیری به سوی پیشرفت، رتبه بالایی گرفته بودند. او فرض می‌گیرد که کودکان سنین پیش دبستانی که والدین مستبد یا آسان‌گیر دارند، به وابسته بودن تمایل دارند؛ زیرا هر دو نوع والدین می‌خواهند که بچه‌هایشان را در برابر استرس‌ها حمایت کنند. در نتیجه آنها را از رشد مهارت ابراز وجود و تحمل در برابر ناکامی باز می‌دارند. او همچنین دریافت که کودکان دارای والدین مقتدر منطقی، با کفایت‌تر هستند. بر طبق نظر بامریند والدین مقتدر منطقی، مسئولیت‌پذیری را در کودکان رشد می‌دهند؛ چون والدین با کودکان تعاملات واقع‌گرایانه و ارتباط رودررو دارند (زارعی و حسنی، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

در حقیقت او در دهه ۱۹۶۰ م. بین سه شیوه تربیتی یعنی شیوه‌های مستبدانه ۲، مقتدرانه ۳ و آسان‌گیر ۴ تمایز قایل شد. شیوه تربیتی مستبدانه با سخت‌گیری و انعطاف‌ناپذیری مشخص می‌شود. این شیوه بیشتر والد-مدار است تا کودک-مدار و اولویت با چشم‌داشت‌های

-
1. Baumrind
 2. Authoritarian
 3. Authoritative
 4. Permissive

والدین است تا خواسته های کودک (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۲). طبق نظریه دی لیزی (۲۰۰۷ م.) والدین مستبد قوانین را سخت گیرانه اجرا می کنند و برای اطاعت از آن قوانین، ارزش قائل اند و هیچ موافقتی با بده-بستان های کلامی با فرزندشان ندارند. تمرکز اصلی آنها بر اشتباهات فرزندان است و تنبیهات آنها در مورد بی انضباطی کودکان معمولاً خشن می باشد (بروک، ۲۰۱۱: ۱۵). از سوی دیگر، والدین مقتدر (دموکرات) از نظر پاسخ دهی و چشم داشت ها در سطح بالایی قرار دارند (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۶۶). والدین آسان-گیر نیز فرزندانشان را در تصمیم گیری ها و تنظیم فعالیت هاشان کاملاً آزاد می گذارند. رابطه آنها با فرزندشان بیشتر شبیه رابطه دوستی است به طوری که فرزندان هنگام ارتکاب اشتباه با حداقل تنبیه مواجه می شوند (پاتوک، ۲۰۰۱: ۱۲۸۶). به اعتقاد واترمن^۲ (۱۹۸۲ م.) اشخاصی که در خانواده هایی قرار دارند که والدین آسان گیر، مسامحه کار یا طردکننده دارند، غالباً دارای هویت آشفته اند یا این که در حل موفقیت آمیز بحران هویت خود دچار مشکل می شوند (رضوی، محمودی و رحیمی، ۱۳۸۷: ۷۶).

۳. پیشینه تحقیق

با توجه به تأثیر انکارناپذیر شیوه تربیتی والدین بر انگیزه پیشرفت و موفقیت افراد و تأثیر مستقیم آن در روند توسعه جوامع، تحقیقات گوناگونی در این زمینه صورت گرفته است که هر کدام از آنها این مسئله را از زاویه ای خاص بررسی کرده اند؛ برخی تحقیقات در این زمینه به شرح ذیل است:

بیرامی و خسروشاهی (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع راهنمایی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که پیشرفت تحصیلی با سبک فرزندپروری مقتدرانه (دموکراتیک) رابطه مثبت و معنادار و با سبک های فرزندپروری آسان گیر و مستبدانه رابطه منفی و معناداری دارد. علاوه بر این، نتایج

1. De Lisi
2. Waterman

تحلیل رگرسیون تحقیق نشان داد که متغیر شیوه تربیتی مقتدرانه برای متغیر پیشرفت تحصیلی پیش بینی کننده قوی بوده است.

تحقیقی دیگر در زمینه الگوی کفایت و سازگاری در بین جوانان خانواده‌های استبدادی، دموکراتیک، مسامحه‌کار و افراطی در ارتباط با چهار مجموعه از پیامدهای رفتاری؛ شامل رشد روان شناختی، پیشرفت تحصیلی، اضطراب درونی و مشکلات رفتاری بین ۴۱۰۰ نفر از جوانان ۱۸-۱۴ ساله توسط لمبورن، مونتز، استنبرگ و دورنبوش^۱ (۱۹۹۱م.) صورت گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد نوجوانانی که از خانواده‌های دموکراتیک هستند شایستگی تحصیلی بالا و معناداری دارند. نوجوانانی که والدین خود را به عنوان استبدادی و افراطی توصیف کرده بودند، در تمام مقیاس‌ها، نمره‌هایشان گرایش به حد متوسط بین نمره‌های گروه‌های دموکراتیک و مسامحه‌کار داشت. به طور کلی بیشترین اندازه تفاوت بین خانواده‌های دموکراتیک و مسامحه‌کار از نظر پیشرفت تحصیلی و سایر موارد به دست آمد.

الدرا^۲ نیز درباره محیط خانواده و تأثیر آن بر رشد اجتماعی افراد پژوهشی انجام داده است که کلمن^۳ نیز به آن استناد کرده است. این پژوهش به توصیف سه گونه شیوه تربیتی والدین یعنی شیوه مستبدانه، آسان‌گیر و دموکراتیک و ارتباط آن با برخی از جنبه‌های شخصیت افراد پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که فراوانی اعتماد به خود نزد پسران و دختران در خانواده‌های دموکراتیک نسبت به خانواده‌های آسان‌گیر و به ویژه مستبدانه بیشتر است (احدی و محسنی، ۱۳۷۱: ۶۶-۶۵).

همچنین نتایج تحقیقات گلاسکو، دورنبوش، ترویر، استنبرگ و ریتز^۴ (۱۹۹۷م.) در زمینه بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و اسناد و پیامدهای تحصیلی در نوجوانان نمایان

1. Lamborn, S. D., Mounts, N. S., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M.

2. Alder

3. Colman

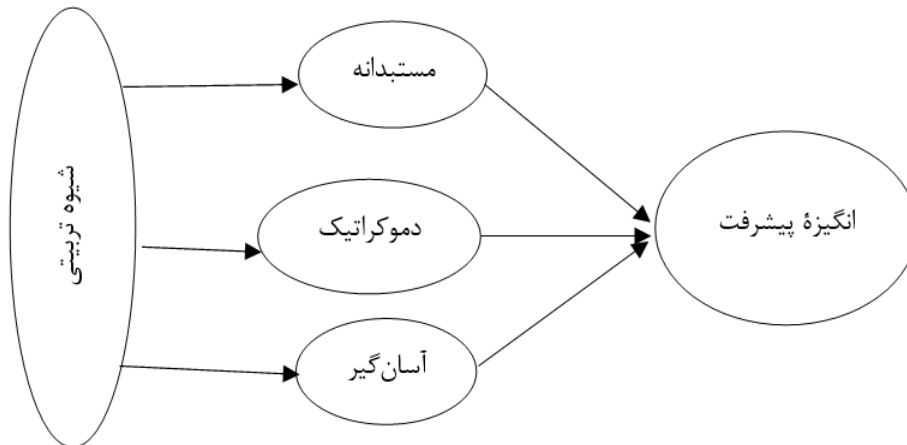
4. Glasgow, K. L., Dornbusch, S. M., Troyer, L., Steinberg, L., & Ritter, P. L.

ساخت شیوه استبدادی و مسامحه کار والدین با انجام تکالیف و پیشرفت تحصیلی ارتباط منفی داشت.

سانتراک^۱ (۱۹۸۴م.) در تحقیقی نشان داد که والدین دارای سبک مقتدرانه به ایجاد اعتماد به نفس و عزت نفس، احساس مسئولیت، خود مختاری و رابطه نزدیک و کمک کردن به پیشرفت تحصیلی در رابطه با فرزندانشان کمک می کنند.

پیرامون تبیین انگیزه موفقیت در راستای جمع بندی نظری و تجربی می توان گفت که بامریند، مک کله لند، کانکل، هیگن و... هر یک شیوه های تربیتی والدین (دموکراتیک، مستبدانه، آسان گیر) را یکی از مهم ترین عوامل تبیین تغییرات انگیزه موفقیت افراد دانسته اند و بر نقش شیوه های تربیتی والدین در افزایش میل به پیشرفت تأکید نموده اند.

۴- شکل تحلیلی تحقیق



شکل ۱- مدل تحلیلی تحقیق

1. Santrock

۵- فرضیه‌های تحقیق

- بین شیوه تربیتی والدین و انگیزه پیشرفت دانشجویان دختر رابطه وجود دارد.
- علاقه به رشته تحصیلی در انگیزه پیشرفت دانشجویان دختر مؤثر است.
- بین سطح تحصیلات پاسخ‌گویان و انگیزه پیشرفت آنان رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات والدین با انگیزه پیشرفت دانشجویان دختر رابطه معنادار وجود دارد.
- انگیزه پیشرفت دانشجویان دختر شهری و روستایی متفاوت است.
- انگیزه پیشرفت دانشجویان دختر برحسب گروه قومی متفاوت است.

۶- روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است و با توجه به امکان استفاده از نتایج آن توسط مسئولان از نوع کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری مورد مطالعه، همه دانشجویان دختر در تمام مقاطع تحصیلی در دانشگاه تبریز می‌باشد که از این بین با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ۱۶۶ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. در این تحقیق برای سنجش انگیزه پیشرفت از پرسش‌نامه استاندارد هرمنس استفاده شده است پرسشنامه انگیزش پیشرفت هرمنس یکی از رایج‌ترین پرسشنامه‌های مداد و کاغذی برای سنجش نیاز به پیشرفت است. وی با توجه به ادبیات نظری و تحقیقات تجربی این حوزه این پرسشنامه را ساخته است. برای سنجش متغیرهای شیوه‌های تربیتی والدین از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده گردیده است.

۶-۱- بررسی اعتبار و روایی اندازه‌گیری تحقیق

اعتبار ابزار تحقیق صورتی^۱ بوده و از طریق مراجعه به صاحب‌نظران مربوطه حاصل شده است.

1. Face validity

برای محاسبه روایی گویه های تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب به دست آمده برای متغیر انگیزه پیشرفت ۰/۹۱ و برای متغیر شیوه تربیتی ۰/۶۲ بوده است.

۷- تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

۷-۱- انگیزه پیشرفت

انگیزه پیشرفت عبارت است از گرایشی همه جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد توأم است. این نیاز را موری به عنوان یکی از معیارهای شناسایی وضعیت روانی فرد مطرح می کند و اعتقاد دارد که از طریق شناسایی نیاز به پیشرفت، حصول به وضعیت روانی آسان تر می شود و به راحتی می توان نیازهای روانی را تشخیص داد. مک کله لند نیز این انگیزه را سایقی تعریف می کند که می تواند رفتار را در همه موقعیت ها نیرومند ساخته و هدایت کند (احدی، ۱۳۸۹: ۵). در سنجش این متغیر از سؤالات استاندارد پرسشنامه هرمنس استفاده شد.

۷-۲- شیوه تربیتی والدین

بامریند^۱ (۱۹۶۷م.) در دهه ۱۹۶۰م. بین سه شیوه تربیتی - شیوه های مستبدانه^۲، مقتدرانه^۳ و آسان گیر^۴ - تمایز قایل شد. شیوه تربیتی مستبدانه با سخت گیری و عدم انعطاف پذیری مشخص می شود. این شیوه بیشتر والد - مدار است تا کودک - مدار و اولویت با چشم داشت های والدین است تا خواسته های کودک. از سوی دیگر والدین مقتدر (دموکرات) بر خودمختاری فرزندان در محدوده مقررات خانواده تأکید دارند (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۲). این نوع والدین از نظر پاسخ دهی و چشم داشت ها در سطح بالایی قرار دارند (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۶۶). والدین آسان گیر در تربیت فرزندان از قوانین مشخصی

-
1. Baumrind
 2. Authoritarian
 3. Authoritative
 4. Permissive

پیروی نمی‌کنند و کنترلی بر کردار و رفتار آنان ندارند. این والدین فرزندان را در تصمیم‌گیری‌ها کاملاً آزاد می‌گذارند (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۲). در این تحقیق متغیر شیوه تربیتی والدین در قالب شیوه تربیتی دموکرات، مستبدانه و آسان‌گیر با شاخص‌های میزان سخت‌گیری والدین در منزل، آزادی فرد در انجام امور شخصی، مورد بازخواست قرارگرفتن از سوی والدین، مشارکت در امور منزل، نظرخواهی والدین از فرزندان، استقلال صرف فرزندان در خانواده در برخی از امور مورد سنجش قرار گرفت.

۸- یافته‌های پژوهش

طبق نتایج به دست آمده از جدول‌ها و بررسی آمار و ارقام، میانگین سنی نمونه مورد بررسی ۲۲ سال و دامنه سنی دانشجویان ۱۸ تا ۳۳ سال بوده است. از نظر مقطع تحصیلی ۶۲ درصد در مقطع کارشناسی، ۲۷/۲ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۰/۸ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بوده‌اند. در نمونه مورد بررسی میانگین درآمد خانواده (۷۰۵۰۹۹۰ ریال) می‌باشد. از نظر تحصیلات والدین، تحصیلات پدر اکثریت پاسخ‌گویان در سطح ابتدایی (۱۸/۷) و دیپلم (۲۳/۵) و تحصیلات مادر نیز در سطح ابتدایی (۳۰/۱) و دیپلم (۲۷/۱) بوده است. همچنین میانگین انگیزه پیشرفت دانشجویان دختر مورد مطالعه این تحقیق در حد ۳۸/۵۰ درصد می‌باشد که وضعیت مناسبی را نشان نمی‌دهد.

۸-۱- نتایج آزمون فرضیه‌ها

- بین شیوه تربیتی والدین و انگیزه پیشرفت دانشجویان دختر رابطه وجود دارد.
- علاقه به رشته تحصیلی در انگیزه پیشرفت دانشجویان دختر مؤثر است.
- بین سطح تحصیلات پاسخ‌گویان و انگیزه پیشرفت آنان رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات والدین با انگیزه پیشرفت دانشجویان دختر رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۱- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در ارتباط با متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

انگیزه پیشرفت		متغیرهای مستقل
Sig	R	
۰/۰۰۸**	۰/۲۲۵	شیوه تربیتی مقتدرانه
۰/۶۹۵	-۰/۰۳۴	شیوه تربیتی مستبدانه
۰/۸۱۷	-۰/۰۲۰	شیوه تربیتی آسانگیر

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین متغیر شیوه تربیتی مقتدرانه (۰/۲۲۵) با متغیر انگیزه پیشرفت رابطه‌ای معنادار وجود دارد. به سخن دیگر چنانچه شیوه تربیتی والدین مشارکتی و به عبارتی دموکراتیک باشد، انگیزه پیشرفت دانشجویان نیز افزایش می‌یابد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق، بیانگر این نکته نیز بود که شیوه‌های تربیتی مستبدانه و آسانگیر نه تنها در افزایش انگیزه پیشرفت موثر نیستند بلکه مطابق اعداد به دست آمده تا حدی باعث کاهش آن نیز می‌شوند (جدول ۱). علاوه بر این طبق نتایج مربوط به ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیر میزان علاقه به رشته تحصیلی و متغیر انگیزه پیشرفت رابطه مستقیم و معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ درصد وجود دارد؛ در حالی که رابطه بین میزان تحصیلات دانشجویان با انگیزه پیشرفت معکوس و معنی‌دار می‌باشد. بدین معنا که افزایش در سطح تحصیلات، کاهش انگیزه پیشرفت دانشجویان را در پی دارد. همچنین بین میزان تحصیلات والدین پاسخ‌گویان نیز با متغیر انگیزه پیشرفت رابطه‌ای معنادار ملاحظه نشد (جدول ۲).

جدول ۲- نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در ارتباط با متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

انگیزه پیشرفت		متغیرهای مستقل
Sig	R	
۰/۰۰۰**	۰/۳۸۰	علاقه به رشته تحصیلی
۰/۰۰۰**	-۰/۴۲۵	میزان تحصیلات پاسخ‌گویان
۰/۳۳۱	-۰/۰۷۶	تحصیلات پدر
۰/۵۸۶	-۰/۰۴۳	تحصیلات مادر

- انگیزه پیشرفت دانشجویان شهری و روستایی متفاوت است.
آزمون آماری مربوط به این فرضیه (T-TEST) بیانگر آن بود که تفاوت معناداری بین میزان انگیزه پیشرفت دانشجویان دختر شهری و روستایی وجود نداشته است.

جدول ۳- نتایج آزمون تی دو نمونه برای ارزیابی میانگین انگیزه پیشرفت

محل سکونت	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
شهر	۳۸/۳۲	۸/۸۳۰	۰/۷۲۳	-۰/۶۹۶	۰/۴۸۷
روستا	۴۰/۰۰	۵/۶۹۷	۱/۵۲۲		

- انگیزه پیشرفت برحسب گروه قومی متفاوت است.
نتایج آزمون آنالیز واریانس نشان داد که بین میانگین انگیزه پیشرفت قومیت‌های مختلف ترک (۳۸/۱۱)، کرد (۳۳/۸۱)، فارس (۳۸/۵۰) و سایر اقوام دیگر (۳۰/۷۵) در بین دانشجویان تفاوت معناداری دیده شده است و آزمون تعقیبی LSD نشان داد که دانشجویان فارس زبان و ترک زبان در قیاس با دانشجویان گروه قومی کرد از انگیزه پیشرفت بیشتری برخوردار بوده اند.

جدول ۴- نتایج آزمون آنالیز واریانس برای متغیر قومیت

قومیت	میانگین انگیزه پیشرفت	انحراف استاندارد	مقدار آماره sig
ترک	۳۸/۱۱	۸/۹۲۳	۰/۰۰۰
کرد	۳۳/۸۱	۱۲/۵۲۰	
فارس	۳۸/۵۰	۶/۸۵۵	
سایر اقوام	۳۰/۷۵	۹/۷۰۶	

در پژوهش حاضر سعی بر آن بود تا میزان ارتباط سبک‌های تربیتی والدین بر متغیر انگیزه پیشرفت دانشجویان اندازه‌گیری شود و سهم هر یک از این متغیرها در تبیین تغییرات انگیزه پیشرفت دانشجویان مشخص شود. از این رو از تحلیل رگرسیون برای رسیدن به این مهم استفاده شده است. برای این کار ابتدا باید پیش فرض‌های رگرسیونی را مورد بررسی

قرار داد. لذا جدول شماره (۵) نشان می دهد این تحقیق شرایط لازم برای استفاده از تحلیل رگرسیونی را داراست.

جدول ۵- نتایج مربوط به پیش فرض های رگرسیون

پیش فرض	آزمون	محدوده قابل قبول	مقدار آماره
نرمال بودن	کلموگروف اسمیرنوف	بالاتر از ۵ درصد	۰/۱۶۳
استقلال خطا	دوربین واتسون	بین ۱/۵ تا ۲/۵	۱/۹۶۶
وجود رابطه خطی	F	پایینتر از ۵ درصد	۰/۰۰۰

در تبیین انگیزه پیشرفت دانشجویان به عنوان متغیر وابسته، همه انواع شیوه های تربیتی والدین یعنی شیوه های مقتدرانه، مستبدانه و آسان گیر به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله شد. برازش مدل رگرسیونی متغیرهای تبیین کننده به روش اینتر^۱ نشان داد که فقط دو شیوه تربیتی دموکراتیک و مستبدانه در مدل رگرسیونی قرار می گیرند. متغیرهای وارد شده به مدل، ۱۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می کنند. در این مدل متغیر انگیزه پیشرفت، بیشتر از شیوه تربیتی دموکراتیک متاثر است و تأثیر متغیر شیوه تربیتی مستبدانه بر متغیر وابسته تحقیق به صورت منفی نشان داده شده است (جداول ۶ و ۷).

جدول ۶- تحلیل رگرسیون چندگانه و خلاصه مدل رگرسیونی برازش شده

ضریب همبستگی چندگانه	۰/۳۷۰
ضریب تبیین	۰/۱۳۷
ضریب تبیین شده تصحیح شده	۰/۱۲۹
اشتباه معیار	۳/۰۰
آزمون دوربین واتسون	۱/۹۶۶
کمیت $F= ۱۷/۲۲۴$ مقدار $P= ۰/۰۰۰$	

جدول ۷- آماره‌های متغیرهای باقی مانده در مدل برازش رگرسیونی

نام متغیرها	B	STD.E	BETA	T	Sig
شیوه دموکراتیک	۰/۱۶۰	۰/۰۲۳	۰/۴۰۵	۷/۰۶۴	۰/۰۰۰
شیوه مستبدانه	-۰/۱۲۳	۰/۰۳۷	-۰/۲۰۴	-۳/۲۹۹	۰/۰۰۱

۹- نتیجه گیری

موضوع توسعه، امری همگانی و مورد توجه همه جوامع بشری است. در فرآیند توسعه متغیرهای مختلفی دخیل اند؛ از جمله می‌توان به متغیرهای روحی و روانی اشاره داشت. اندیشمندانی زیادی بر روی این دسته از متغیرها تأکید دارند که یکی از مهم‌ترین آنها مک-کله‌لند است. به باور وی احساس نیاز به پیشرفت، موتوری است که می‌تواند در جهت توسعه جوامع مؤثر واقع شود. ایجاد و تولید این نیاز تحت تأثیر عوامل گوناگونی است که از مهم‌ترین آنها نهاد خانواده است. والدین به ویژه با نحوه رفتار، انتظارات و شیوه تربیتی خود در ایجاد این روحیه در فرزندان بسیار مؤثرند.

مک‌کله‌لند شروع درونی‌سازی میل به پیشرفت را مربوط به خانواده می‌داند که بعد از آن و طی فرآیند جامعه‌پذیری باید از طریق دیگر نهادهای اجتماعی‌کننده پی‌گیری شود. او در پژوهش‌های خود دریافت که عزت نفس بالا با سلطه‌گری و مهارگری کم پدر در روند تحول کودک، ارتباطی مثبت دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش روش اقتداری و سلطه‌گرایانه در شیوه رفتاری با کودک میزان عزت نفس او کاهش می‌یابد (جلالی، ۱۳۸۶: ۳۱). هیگن نیز معتقد است که تربیت خشک و اطاعت‌آمیز در کودکی از سوی والدین که با تنبیهات سخت همراه است باعث ایجاد شخصیت استبدادی در افراد می‌شود که برای شکستن این قالب لازم است احساس نیاز به پیشرفت در آنان تقویت شود.

نتایج این تحقیق همسو با نظریات مک‌کله‌لند و هیگن، حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین متغیر شیوه تربیتی والدین با انگیزه پیشرفت دانشجویان می‌باشد؛ به طوری که هرچه والدین با اقتدار و در عین حال منعطف‌تر رفتار کنند میزان انگیزه پیشرفت دانشجویان

نیز بالاتر می‌رود و هر چه شیوه تربیتی والدین به سوی شیوه مستبدانه حرکت کند، میزان انگیزه پیشرفت آنها کاهش می‌یابد.

از آنجا که طبق نظریات موجود، تحقیقات پیشین و تحقیق حاضر شیوه تربیتی والدین بسیار اثرگذار بر میزان انگیزه پیشرفت است؛ لذا آگاهی دادن به والدین در زمینه شیوه‌های درست تربیتی و فرهنگ‌سازی در جامعه امری مهم و ضروری می‌باشد. در این رابطه وجود برنامه‌های مدون و کارشناسی شده و عملیاتی شدن آنها از طریق رسانه‌ها، نهادهای آموزشی و دانشگاهی می‌تواند کارساز باشد.

از دیگر نتایج این تحقیق ارتباط مثبت و معنی‌دار بین متغیر علاقه به رشته تحصیلی با انگیزه پیشرفت می‌باشد که طبق آن هر چه میزان علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان بیشتر باشد انگیزه پیشرفت آنان نیز افزایش می‌یابد. با توجه به این یافته‌ها و در نظر داشتن وضعیت خاص کنکور در جامعه ما که باعث می‌شود بسیاری از افراد از سر ناچاری رشته خود را انتخاب کنند؛ لذا ضروری است به گونه‌ای برنامه‌ریزی گردد که دانشجویان در حد امکان در رشته‌هایی مشغول به تحصیل شوند که به آن علاقه دارند و در عین حال اطلاع‌رسانی کافی به خانواده‌ها، دانش‌آموزان و دانشجویان در زمینه چگونگی انتخاب رشته صورت گیرد.

از طرف دیگر رابطه بین سطح تحصیلات پاسخ‌گویان این تحقیق با انگیزه پیشرفت آنان معکوس و معنی‌دار بوده است؛ یعنی با افزایش سطح تحصیلی دانشجویان، انگیزه پیشرفت آنها کاهش می‌یابد. با این نتیجه‌گیری باید گفت که علی‌رغم صرف وقت، انرژی و هزینه‌های فراوان مادی و غیرمادی برای تحصیل، متأسفانه شرایط مطلوبی به ویژه برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از نظر پیدا کردن شغل مطلوب و متناسب با سطح تحصیلات و رشته تحصیلی وجود ندارد. این موضوع برای دانشجویانی که مقاطع تحصیلی بالاتری در دانشگاه داشته‌اند، بیشتر ملموس است و این مسئله تأثیر منفی بر روحیه دانشجویان و به تبع آن میزان انگیزه

پیشرفت آنها دارد. این موضوع حساسیت بیشتر مسئولان و بررسی‌های کارشناسی شده را در سطح خرد و کلان جامعه می‌طلبد.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق ۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته، انگیزه پیشرفت را تبیین کرده‌اند. از متغیرهای مستقل تحقیق یعنی شیوه تربیتی دموکراتیک، مستبدانه و آسان‌گیر فقط دو بعد مقتدرانه و مستبدانه در مدل رگرسیونی باقی ماندند و بعد دموکراتیک بیشترین تأثیر را بر روی متغیر انگیزه پیشرفت داشته است. علاوه بر آن تأثیر متغیر شیوه تربیتی مستبدانه بر متغیر انگیزه پیشرفت در مدل رگرسیونی به صورت منفی نشان داده شده است که بیانگر اثر معکوس این شیوه تربیتی بر انگیزه پیشرفت فرزندان دارد.

در پایان باید اضافه نمود که نمونه مورد مطالعه این تحقیق، دانشجویان دختر بوده است و به باور محققان وجود روحیه پیشرفت و موفقیت در این قشر از این جهت بسیار مهم است که این قشر، مادران آینده جامعه‌اند. مادران تحصیل کرده، خلاق، نوآور و مشتاق پیشرفت و توسعه، به یقین نسلی پیشرو و علاقه‌مند به توسعه تربیت خواهند بود و این گامی اساسی در توسعه کشور خواهد بود. در این راستا معرفی دانشجویان دختر نوآور، تشویق آنان، دعوت از زنان کارآفرین جامعه به محیط دانشگاه، نشان دادن نیازها، کمبودها و کاستی‌های جامعه و همچنین پتانسیل بالای زنان جامعه در رفع این کمبودها می‌تواند کارساز باشد و در تقویت روحیه پیشرفت و توسعه این قشر موثر واقع شود.

کتابنامه

۱. احدی، ح. و محسنی، ن. (۱۳۷۱). مفاهیم بنیادی روانشناسی نوجوانی و جوانی، تهران، انتشارات بنیاد.
۲. ازکیا، م. و غفاری، غ. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی توسعه. نشرکیهان، چاپ هشتم.

۳. اسعدی، م. زکایی، ن. کاویانی، ح. محمدی، م. و گوهری، م. (۱۳۸۵). رابطه پس زمینه اجتماعی فرهنگی با شیوه تربیتی والدین، موفقیت تحصیلی و سبک یادگیری فرزندان. *اندیشه و رفتار*، ۱۲ (۱)، ۲۸-۲۱.
۴. ایمانی راد، م. (۱۳۶۹). توسعه و برنامه درجهان سوم (با نگاهی به تجارب توسعه در ایران). تهران، نشر پیشبرد، چاپ اول.
۵. بیرامی، م. و بهادری خسروشاهی، ج. (۱۳۸۹). ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان راهنمایی مدارس شهر ایلخچی. *نشریه علوم تربیتی*، ۳ (۱۰)، ۲۱-۷.
۶. پورپاریزی، م. و صفورایی پاریزی، م. (۱۳۸۹). شیوه های تربیت فرزندان. *فصلنامه ای در عرصه مطالعات زنان و خانواده*، ۳ (۱۷)، ۳۹-۱۵.
۷. جلالی، م. (۱۳۸۶). تحلیل رابطه نابرابری های طبقاتی و نابرابری های آموزشی با تاکید بر نقش متغیرهای واسطه ای. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۲۳ (۳)، ۵۳-۱۵.
۸. حریری اکبری، م. (۱۳۸۷). مدیریت توسعه، تهران، نشرنی، چاپ اول.
۹. رحمانی، ف. سید فاطمی، ن. برادران رضایی، م. صداقت، ک. و فتحی آذر، ا. (۱۳۸۵). ارتباط شیوه تربیتی والدین با میزان مشکلات رفتاری دانش آموزان. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۲ (۴)، ۳۷۰-۳۶۵.
۱۰. رضوی، ع. محمودی، م. و رحیمی، م. (۱۳۸۷). بررسی رضایت زناشویی و سبک های فرزند پروری والدین با مشکلات رفتاری فرزندان در دوره ابتدایی شهر ارسنجان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۲ (۴)، ۹۰-۷۳.
۱۱. زارعی، ا. حسنی، ک. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر خانواده بر رشد اجتماعی دانش آموزان "استان کرمانشاه". *پژوهش های تربیت اسلامی*، (۱)، ۱۰۴-۱۰۱.
۱۲. ساعی، ا. (۱۳۸۴). توسعه در مکاتب متعارض. نشر قومس، چاپ اول.
۱۳. شفیعی زاده، ح. شجاعی، ج. (۱۳۸۷). کارآفرینان و نیاز به موفقیت. *مجله تدبیر*، (۱۹۶)، ۳۷-۳۴.
۱۴. شکرکن، ح. محب، ا. (۱۳۸۸). بررسی عملی بودن، اعتبار، روایی سیاهه انگیزه پیشرفت در کارمندان. *تحقیقات روانشناختی*، ۱ (۲)، ۷۵-۶۱.

۱۵. نوری، ف. عباسپور، ج. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین هویت کار، رضایت کار و عدالت کار با تعهد کارکنان. پژوهش نامه علوم اجتماعی، ۳ (۴)، ۶۹-۵۵.
16. Glasgow, K. L., Dornbusch, S. M., Troyer, L., Steinberg, L., & Ritter, P. L. (1997). Parenting styles, adolescents' attributions, and educational outcomes in nine heterogeneous high schools. *Child Development, 68*(3), 507-529.
17. Lamborn, S. D., Mounts, N. S., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development, 62*(5), 1049-1065.
18. Patock Peckham, J. A., Cheong, J., Balhorn, M. E., & Nagoshi, C. T. (2001). A social learning perspective: A model of parenting styles, self-regulation, perceived drinking control, and alcohol Use and problems. *Alcoholism: Clinical and Experimental Research, 25*(9), 1284-1292.
19. Santrock, J. W. (1984). *Adolescence: Introduction*. Dubuque, Iowa: Brown Publishers.